

نقد و توجیه رای وحدت رویه شماره ۷۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دکتر حمیدرضا پرتو وکیل دادگستری - درج شده در مجله کانون وکلا بهار ۱۳۹۴

چکیده

مطابق ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتوری ۱۳۸۷ خسارتهای بدنی خارج از شرایط بیمهنامه (به استثناء موارد مصرح در ماده (۷)) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تامین خسارت های بدنی پرداخت خواهد شد. به عبارتی آسیب های بدنی که از طرف شرکت های بیمه گر قابل پرداخت نباشد توسط صندوق یادشده پرداخت می گردد. رویه عملی بدین نحو بود که پس از طرح دعوی کیفری و تعیین میزان دیه، در قالب دعوی حقوقی علیه این صندوق طرح دعوا می شد. با صدور رای وحدت رویه ۷۳۴ دادگاه کیفری مجاز شد تا در موارد مسئولیت صندوق تامین خسارت بدنی، در ضمن دادرسی کیفری حکم به محکومیت این صندوق به پرداخت دیه قانونی صادر نماید.

واژگان کلیدی: صندوق تامین خسارت بدنی، مسولیت، پرداخت دیه، دادرسی کیفری، بیمه.

مقدمه

مطابق ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷: « به منظور حمایت از زیان دیده گان حوادث رانندگی، خسارتهای بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضاء بیمهنامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تامین بیمه گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسوول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر قابل پرداخت نباشد یا به طور کلی خسارت های بدنی خارج از شرایط بیمهنامه (به استثناء موارد مصرح در ماده (۷)) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تامین خسارت های بدنی پرداخت خواهد شد...». به عبارتی در موارد یادشده پس از تعیین میزان دیه صدمات وارده، پرداخت دیه بر عهده صندوق تامین خسارات بدنی خواهد بود. تا قبل از صدور رای وحدت رویه ۷۳۴ رویه عملی بر این منوال بود که نخست طی دادرسی کیفری میزان دیات صدمات وارده تعیین می شد. سپس با طرح دعوی حقوقی علیه صندوق تامین خسارات بدنی و اخذ حکم محکومیت در خصوص دریافت دیه مصدوم یا متوفی اقدام می شد.

با صدور رای یادشده زین پس دادگاه کیفری می تواند ضمن دادرسی کیفری چنانچه مورد را از موارد مسئولیت صندوق تامین خسارات بدنی تشخیص دهد این صندوق را به پرداخت دیه محکوم نماید.

متن رای بدین شرح است: « نظر به اینکه برابر ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۶/۴/۱۳۸۷، فلسفه تشکیل « صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی است که خسارت‌های وارد شده به آنها از سوی شرکت‌های بیمه قابل پرداخت نیست و با عنایت به اینکه از مقررات قانون و آیین‌نامه اجرایی آن در خصوص نحوه مراجعه زیان‌دیدگان به صندوق برای دریافت خسارت چنین مستفاد می‌شود که نظر قانون‌گذار تسریع و تسهیل در پرداخت خسارت به آنان بوده است؛ بنابراین در صورت امتناع صندوق از پرداخت خسارت بدنی زیان‌دیده، دادگاه عمومی جزایی صالح به رسیدگی و اظهارنظر در خصوص مورد خواهد بود و رعایت تشریفات مقرر برای دعاوی حقوقی در این موارد ضرورت ندارد. بدیهی است در صورت پرداخت خسارت نیز اقدامات قضایی برای تعقیب و شناسایی راننده مقصر باید ادامه یابد...».

در این مقاله به مسائل نظری و عملی مربوط به این رای می پردازیم.

بند نخست: شرایط صلاحیت دادگاه کیفری برای صدور حکم محکومیت صندوق تامین خسارات بدنی

برای اینکه دادگاه کیفری صلاحیت صدور حکم محکومیت صندوق یادشده را داشته باشد باید شرایط خاصی موجود باشد که به قرار ذیل است:

الف: مشخص شدن میزان دیه وارده

نخست باید در ضمن دادرسی کیفری میزان خسارات بدنی تعیین شود. در واقع مراجعه به صندوق تامین بدون تعیین دقیق میزان خسارات وارده در دادرسی کیفری منتفی است.

ب: مورد باید از موارد مسئولیت صندوق تامین خسارات بدنی باشد

مطابق ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری... ۱۳۸۷ در موارد خسارات خارج از شرایط بیمه نامه و فرار کردن و یا شناخته نشدن مسوول حادثه پرداخت خسارات بدنی وارد به اشخاص ثالث برعهده صندوق تامین خسارات بدنی خواهد بود. پس چنانچه شرکت بیمه گر مسئول پرداخت شناخته شود، صرف امتناع بیمه گر از پرداخت موجب مسئولیت صندوق تامین نخواهد بود.

نکته دیگر اینکه مطابق رویه عملی صندوق تامین خسارات بدنی، این صندوق فقط خسارات بدنی مربوط به حوادثی که بعد از تاریخ تصویب قانون اصلاح قانون بیمه اجباری... مصوب ۱۶/۴/۱۳۸۷ واقع شده است را به

صورت کامل می پردازد و حوادثی که تاریخ وقوع آن قبل از این تاریخ بوده است را مشمول قانون ۱۳۸۷ ندانسته و در نتیجه فقط بخشی از خسارات را می پردازد. به عبارتی این صندوق روز وقوع حادثه را ملاک عمل می داند نه روز صدور حکم یا روز تادیه خسارت. ظاهراً مبنای شکل گیری این رویه مواد ۱۰، تبصره ۷ ماده ۱۱ و ۳۰ قانون اصلاح قانون بیمه... ۱۳۸۷ است. بدین توضیح که مطابق ماده ۱۰ فقط پرداخت خسارت بدنی تحت شرایطی بر عهده صندوق تامین است و در خصوص خسارات مالی تعهدی متوجه صندوق نیست. در مورد تاریخ وقوع حادثه نیز با عنایت به تاریخ تصویب قانون، فقط حوادثی که پس از تصویب این قانون روی داده است، مشمول قانون جدید فرض می شود. ظاهر قانون این رویه را تایید می کند ولی با فلسفه پیدایش بیمه منافات دارد.

موضوع دیگر اینکه این صندوق فقط تا سقف تعهدات بدنی در سال وقوع حادثه را می پردازد و مابقی خسارت را مشمول مطالبه از بیت المال می داند.^۱ رویه ای که از لحاظ حقوقی محل انتقاد است. زیرا موضوع تعهد شرکت های بیمه و صندوق تامین پرداخت دیه است^۲ نه معادل ریالی آن. پرداخت دیه به ریال به این علت نیست که تعهد شرکتهای بیمه و صندوق تامین پرداخت خسارت تا مبلغی معین است، بلکه علت سهولت پرداخت به ریال است (نسبت به دادن دیه به شتر و دینار و مانند آن). از این رو معادل دیه باید در روز تادیه محاسبه شود نه در روز حادثه یا روز صدور حکم.

توضیح اینکه اساساً موضع قانون بیمه اجباری ۱۳۸۷ پرداخت دیه به نرخ روز است. رییس قوه قضاییه نیز طی بخشنامه شماره ۹۰۰۰/۹۲۷۲/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۴ و بخشنامه ۹۰۰/۹۶۹۷/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۰/۳/۱۱ صراحتاً به قضات محترم محاکم توصیه کرد که در رسیدگی به دعاوی مطالبه دیه از شرکت های بیمه باید دیه به نرخ روز تادیه محاسبه و پرداخت گردد. فلسفه پیدایش بیمه که جبران زیان زیاننده می باشد نیز موید این امر است. ضمن اینکه نپذیرفتن لزوم پرداخت دیه به نرخ روز تادیه به معنی تحمیل بار مالی ناشی از تورم به زیاننده است. در واقع بین تحمیل بار مالی یادشده به زیاننده و تحمیل به وارد آورنده زیان، باید دومی را برگزید. زیرا به عدالت نزدیک تر است.

در مورد میزان مسئولیت شرکت های بیمه گر باید گفت برخلاف آنچه که در بیمه نامه ها دیده می شود، قید مبلغ مقطوع به عنوان مبلغ دیه در بیمه نامه ها وجاهت قانونی ندارد. زیرا بر اساس ماده ۴ قانون بیمه ۱۳۸۷: « حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت بدنی معادل حداقل ریالی دیه یک مرد

۱. ماده ۴۷۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «در جنایت خطای محض در مواردی که پرداخت دیه بر عهده مرتکب است اگر به علت مرگ یا فرار، دسترسی به او ممکن نباشد دیه جنایت از اموال او پرداخت می شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد دیه از بیت المال پرداخت می شود».

۲. ماده ۵۴۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲.

مسلمان در ماههای حرام ... خواهد بود...»^۳ مسئولیت بیمه گر دست کم به میزان معادل دیه یک مرد مسلمان در ماههای حرام است نه مبلغی مشخص و مقطوع.

فایده عملی بحث در این است که چنانچه قرارداد بیمه در سال ۱۳۸۸ منعقد شده باشد و حادثه نیز در همان سال روی داده باشد ولی حکم در سال ۱۳۹۰ صادر شود، طبیعی است که با عنایت به افزایش سنواری مبلغ دیه، مبلغ مندرج در قرارداد بیمه (بیمه نامه)^۴ کمتر از مبلغ مورد حکم است. توضیح اینکه دادگاه اصولاً به دیه رای می دهد نه مبلغ ریالی آن. بدین توضیح که موضوع دین ناشی از پرداخت دیه، تحویل یکی از اقسام مندرج در ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی است نه پرداخت مبلغی وجه نقد. طبیعتاً در زمان تادیه یکی از اقسام ۶ گانه موضوع ماده فوق، باید بهای آن در روز تادیه ملاک باشد نه بهای روز انعقاد قرارداد بیمه ای یا روز حادثه.

قانونگذار با عنایت به همین مطلب و جهت جبران کامل زیان قربانی حادثه، مسئولیت بیمه گر را به میزان دست کم دیه یک مرد مسلمان در ماههای حرام قرار داده است نه پرداخت مبلغی مقطوع. از این رو به نظر می رسد حتی در فرضی که مبلغ مندرج در بیمه نامه پایینتر از مبلغ دیه باشد، شرکت های بیمه مکلفند تا تمامی مبلغ مورد حکم را بپردازد.

در عمل نیز شرکت های بیمه و صندوق تامین خسارات بدنی مکلفند میزان دیه را بر اساس نرخ روز تادیه بپردازند (ماده ۱۶ دستورالعمل نحوه رسیدگی، پرداخت و باز یافت خسارت صندوق تامین خسارت های بدنی مصوب ۱۳۸۹).

رویه قضایی تردیدی در لزوم پرداخت دیه به نرخ روز تادیه ندارد. آرای متعددی در این خصوص صادر شده است. شعبه ۱۳ دیوان عدالت اداری بر همین اساس طی دادنامه شماره ۱۳۰۱۹۷۷/۹۰۹۹۷۰۹۱ مورخ ۱۳۹۱/۹/۱۱ حکم به محکومیت شرکت بیمه ... به پرداخت دیه به نرخ یوم الادا صادر کرد است.

برخلاف آنچه در قانون بیمه اجباری ۱۳۴۷ و سایر مقررات آمده است، در قانون بیمه ۱۳۸۷ مواردی از مسئولیت مستقیم شرکت بیمه آمده است. بدین توضیح که مواردی یافت می شود که واردکننده زیان مسئولیت ندارد ولی شرکت بیمه مسئولیت دارد. برای نمونه دیه اناث نصف دیه ذکور است. ولی طبق صریح قانون بیمه ۱۳۸۷ شرکت بیمه مکلف است دیه را بدون توجه به جنسیت زیان دیده و مذهب وی پرداخت نماید. بنابراین باید دانست قانون بیمه ۱۳۸۷ قانونی است جهت جبران کلیه زیان های ناشی از حوادث رانندگی، خواه مقصر حادثه طبق سایر قوانین مسئولیت داشته باشد یا نداشته باشد. از این رو نمی توان مسئولیت شرکت بیمه را فرع بر مسئولیت بیمه گزار دانست.

^۳ -باید توجه داشت که اضافه شدن دیه در ماههای حرام فقط در خصوص دیه نفس می باشد نه دیه عضو.

^۴ -ماده ۲ قانون بیمه ۱۳۱۶: « عقد بیمه و شرایط آن باید به موجب سند کتبی باشد و سند مزبور موسوم به بیمه نامه خواهد بود».

مؤید این نظر آن است که چه در رویه عملی محاکم و شرکت های بیمه و چه در قانون بیمه ۱۳۸۷ شرکت های بیمه مکلفند در صورتی که در یک حادثه چندین نفر آسیب ببینند دیه و هزینه های پزشکی همه زیاندیدگان را (صرف نظر از اینکه چند نفر باشند و میزان دیه همگی به چه مقدار می شود) جبران نمایند. طبیعی است این فکر ناشی از این ایده است که بیمه ابزار و وسیله ای است برای جبران زیان همه زیاندیدگان و از این جهت سقفی در میزان مسئولیت وی وجود ندارد.

در خصوص خساراتی که عنوان دیه ندارد (مانند هزینه های درمان و هزینه های ناشی از ازکارافتادگی)، نص صریحی در مقررات مربوط به دیه دیده نمی شود. با وجود این باید گفت در قانون اصلاح قانون بیمه ... ۱۳۸۷ از لفظ خسارات بدنی استفاده شده است که اعم از دیه است. در ماده ۱۰ قانون یادشده آمده است: «... به طور کلی خسارت های بدنی خارج از شرایط بیمه نامه (به استثناء موارد مصرح در ماده (۷)) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تامین خسارت های بدنی پرداخت خواهد شد». بر این اساس و با عنایت به لزوم جبران حداکثری زیان های حادثه دیده به نظر می رسد جبران زیان هایی که عنوان دیه ندارد نیز داخل در تعهدات صندوق تامین باشد.

مورد دیگر مسئولیت صندوق تامین خسارات بدنی در تبصره ماده ۵۵۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است. وفق این تبصره: «در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تامین خسارت های بدنی پرداخت می شود». قانون مجازات در عین پذیرش تفاوت دیه زن و مرد، مسئولیت مابه التفاوت دیه این دو را بر عهده صندوق تامین خسارات بدنی قرار داده است.

ج: امتناع صندوق تامین از پرداخت خسارات بدنی

آنگونه که در متن رای ۷۳۴ آمده است امتناع صندوق تامین خسارات بدنی یکی از شرایط صدور حکم به محکومیت این صندوق است. این در حالی است که اساسا تا زمان صدور حکم دادگاه کیفری نه میزان دیه مشخص می شود و نه مسئولیت صندوق تامین خسارات بدنی. به عبارتی امتناع صندوق تامین خسارات بدنی از پرداخت خسارات بدنی پس از صدور حکم دادگاه کیفری قابل احراز است. در این فرض (پس از صدور حکم دادگاه کیفری) نیز این دادگاه فارغ از رسیدگی است و نمی تواند (دست کم) بدون رعایت تشریفات دادرسی مدنی اقدام به صدور حکم نماید.

به عبارتی متن رای ۷۳۴ در آن قسمت که مقرر داشته است: «... در صورت امتناع صندوق از پرداخت خسارت بدنی زیان دیده، دادگاه عمومی جزایی صالح به رسیدگی و اظهارنظر در خصوص مورد خواهد بود و رعایت تشریفات مقرر برای دعاوی حقوقی در این موارد ضرورت ندارد...». دارای ابهام است و می تواند موجب مشکلات عملی باشد.

برای حل این مشکل می توان گفت دادگاه کیفری در صورت تشخیص مسئولیت صندوق مکلف است ضمن صدور حکم در خصوص میزان دیه، در خصوص مسئولیت صندوق نیز اظهارنظر نماید. به نظر ما در این خصوص درخواست مصدوم حادثه یا اولیای دم شرط صلاحیت دادگاه کیفری نبوده و دادگاه کیفری مکلف است راسا در خصوص مسئولیت صندوق اتخاذ تصمیم نماید.

در عمل دیده می شود که گاهی صندوق تامین صرف اظهارنظر دادگاه را کافی ندانسته و در پرتو اصل نسبی بودن آثار رای، ارائه حکم محکومیت را الزامی می داند. از این رو -و صرف نظر از درستی یا نادرستی این رویه-، پیشنهاد می شود دادگاه کیفری ضمن حکم خود صراحتاً حکم به الزام صندوق تامین به پرداخت خسارات صادر نماید و از استفاده از عبارات ارشادی و اخباری پرهیز نماید.

چنانچه دادرسی کیفری خاتمه یافته باشد، دیگر دادگاه کیفری صالح به رسیدگی نبوده و جهت محکوم ساختن صندوق می باید دعوی حقوقی مستقلی مطرح نمود. رویه عملی بر این منوال است که دعوی حقوقی یادشده در مرکز استانی اقامه می شود که دادگاه کیفری صادرکننده حکم در حوزه آن قرار دارد. علت آن است که صندوق تامین در مراکز استان ها نمایندگی دارد. لازم به ذکر است این نمایندگی در دفاتر بیمه ایران تشکیل شده است.

بند دوم: هزینه دادرسی

به نظر ما اتخاذ تصمیم در خصوص مسئولیت صندوق منوط به تودیع مقدم یا موخر هزینه دادرسی دعوی مالی نمی باشد.

در رویه عملی حتی در دعوی حقوقی مطالبه دیه از شرکت های بیمه گر دیده می شود که محاکم کیفری تعیین مبلغ دیه به نرخ روز تقدیم دادخواست و ابطال تمبر به میزان دعاوی مطالبه وجه را الزامی می دانند. این رویه بر خلاف قانون بوده و نیازمند اصلاح است. زیرا دعوی خواهان مطالبه دیه است نه مطالبه مبلغی وجه نقد. دیه نیز در قانون اقلامی چون شتر، دینار و ... می باشد. به عبارتی موضوع دعوی خواهان مطالبه برای نمونه ۱۰ شتر است. این خواسته قابل تقویم بوده و هزینه دادرسی نیز باید بر اساس مبلغ تقویم شده محاسبه شود نه بر اساس معادل ریالی شتر در روز تقدیم دادخواست.

متأسفانه در دعوی مطالبه خسارت علیه صندوق تامین نیز این مشکل وجود دارد. با صدور رای ۷۳۴ می توان گفت دادگاه کیفری نمی تواند صدور حکم به محکومیت صندوق را موکول به پرداخت هزینه دادرسی نماید.

زیرا هدف قانونگذار تسهیل جبران زیان های آسیب دیدگان سوانح رانندگی است. به علاوه در متن رای به عدم رعایت تشریفات مقرر برای دادرسی مدنی اشاره شده است. همچنین حتی در فرض عدم صدور رای نیز پرداخت هزینه دادرسی بر مبنای قیمت ریالی شتر با ایرادات حقوقی متعدد موجه بوده است.

بند سوم: برآیندها

رای ۷۳۴ به منظور تسهیل وصول خسارات بدنی آسیب دیدگان سوانح رانندگی صادر شده است. بر اساس این رای دادگاه کیفری می تواند ضمن صدور حکم تعیین دیه، صندوق تامین را ملزم به پرداخت آن نماید. در این مورد رعایت تشریفات مقرر برای دعاوی مدنی منتفی می باشد. به نظر ما اساسا درخواست شخص زیان دیده نیز از شرایط صلاحیت دادگاه کیفری نمی باشد.

این صلاحیت دادگاه کیفری تا زمانی است که دادرسی کیفری خاتمه نیافته باشد. پس از صدور حکم دادگاه کیفری این دادگاه فارغ از رسیدگی بوده و دعوای الزام صندوق به پرداخت خسارات بدنی می باید به عنوان یک دعوای مدنی مستقل و با رعایت تشریفات مقرر اقامه شود.